



مقدمه ناشر

احتمالاً تا همین چند ماه پیش، خیلی عجیب به نظر می‌رسید که مقدمه کتاب جامعه‌شناسی با حرف زدن راجع به ویروس شروع بشه! (البته امیدواریم که چند ماه بعد هم دوباره عجیب به نظر برسه!). اما این روزا همه مردم دنیا با نگرانی و ترس وجود یه ویروس مواجهن که اتفاقاً خیلی هم ویروس جامعه‌شناسی طوریه: بله! ویروس کرونا یا Covid-19 پاندمیک شدن یا دنیاگیری این ویروس اولین جنبه جامعه‌شناسی طورشه! همین که ماه‌هاست همه مردم دنیا، فارغ از رنگ، نژاد، ملیت و ... یه نگرانی مشترک دارن که تفاوت‌ها، مرزها و فاصله‌ها رو خیلی کمرنگ‌تر کرده.

جنبه دوم این که باعث شد ما بیشتر به مفاهیم اجتماعی فکر کنیم تا مفاهیم فردی. مثلاً وقتی «فاصله‌گذاری اجتماعی» رو مدام می‌شنیدیم و رعایت می‌کردیم، یا وقتی رعایت قرنطینه ما رو مدت‌ها از معمولی‌ترین روابط اجتماعی دور کرد و باعث شد بفهمیم بعضی از کارایی که به نظرمون خیلی عادی می‌رسیدن چه قدر برای ما مهم و حیاتی بودن. همین که بتونیم با خیال راحت به آشنا رو ببینیم، تو جمع دوستانمون بشینیم و حرف بزنین و ... انگار بیشتر از قبل فهمیدیم تک‌تک ما آدم‌ها، بخش مهمی از هویت و معنای زندگیمون رو از باقی آدم‌ها داریم، از «جامعه»

جنبه بعدی تأثیر این ویروس روی رفتارها و معیارهای اجتماعی‌مونه. این که سعی می‌کنیم مسئولیت‌پذیر بودن رو بیشتر تمرین کنیم، خودمون رو به خاطر سلامت آدمای دیگه محدود کنیم، وقتی به نفر بدون ماسک توی جمع حاضر میشه چپ‌چپ نگاهش کنیم! وقتی یه نفر مسائل بهداشتی رو رعایت نمی‌کنه با الفاظ نه چندان لطیف! هدایتش کنیم و ...

همین حرفای ساده، تا تحلیلی پیچیده‌ای که جامعه‌شناسای بزرگ راجع به این بیماری ارائه میدن، به این معنیه که جامعه‌شناسی علمیه بسیار ضروری، پویا و مهم. ما آدم‌ها حتی وقتی تنهایم موجوداتی پیچیده و بعضاً غیر قابل پیش‌بینی هستیم، چه برسه به وقتی که پای اجتماع در میون باشه. ما نیاز داریم به جامعه‌شناسای پویا و هوشمندی که جامعه رو در شرایط و موقعیتای مختلف تحلیل کنن، مشکلاتشو بشناسن و راه حل ارائه بدن. شاید یکی از اون جامعه‌شناسای بزرگ آینده خود تو باشی، و یکی از اولین قدم‌ها تو این مسیر همین کتاب باشه.

نوشتن یه کتاب کمک‌درسی خوب جامعه‌شناسی اصلاً کار ساده‌ای نیست. یه مؤلف کاربلد لازم داره که اولاً هیچ نکته ریز و درشتی رو از قلم نندازه و همه‌چیزو خوب و قابل فهم توضیح بده، ثانیاً ذهن شما رو با مسائل غیرضروری خارج از کتاب، برداشت‌های شخصی و ... درگیر نکنه که به بیراهه برید. ما رفتیم سراغ یکی از بهترین مؤلفا و معلمای این حوزه، خانم صالح‌نژاد که یه معلم باتجربه، کاردان و اهل مطالعه هستن. از ایشون خیلی ممنونیم بابت زحماتشون تو این کتاب، با حضور ایشون خیال ما از کیفیت کار راحت‌تره

آقای سعید ستوده‌مهر هم از رتبه‌های تکریمی کنکور سال ۹۸ بودن که با انرژی و هوش بالاشون تو تألیف این کتاب همراهیمون کردن، از ایشون هم خیلی تشکر می‌کنیم.

یه تشکر ویژه هم از آقای سعید احمدپور و خانم الهه آرانی که همه تلاششون رو می‌کنن تا کتاب‌های انسانی خیلی‌سبز با بهترین کیفیت ممکن آماده بشن. هم‌چنین ممنونیم از دوستان زحمتکش و کاردرستمون تو واحد تولید که حساسی پای کار بودن تا این کتاب به ثمر برسه.

سلامت و موفق باشید.



مقدمه مؤلف

یه بار یه جمله‌ای رو خوندم منسوب به آلبرت انیشتین، فیزیک‌دان معروف آلمانی که مدت‌ها ذهنم رو مشغول کرد و هر وقت هم با یه وضعیت دشوار مواجه می‌شم که کلافه و ناامیدم می‌کنه این جمله میاد جلوی چشمم و بگی نگی از کلافگی و ناامیدی خودم خجالت می‌کشم. این جمله طلایی رو با هم بخونیم:

«موفقیت‌هایی که نصیب افراد صبور می‌شود، همان‌هایی هستند که توسط افراد عجول رها شده‌اند.»

خیلی وقتا می‌شینیم با خودمون فکر می‌کنیم و حسرت می‌خوریم و صدامون به ای کاش ای کاش بلنده که چرا قدر فرصت‌های زندگیمون رو ندونستیم؟ چرا فلانی این قدر موفقه و من نتونستم به آرزوهایم برسم؟ چرا زمانی رو که باید صرف رسیدن به هدفام می‌کردم، الکی الکی از دست دادم؟ و چندین چرای دیگه. خب ما می‌گیم ماهی رو هر وقت از آب بگیرین تازه است. البته حواستون باشه ماهی پیر و گوشت سفت و یا حتی ماهی مرده رو که از آب می‌گیریم دیگه تازه نیست. 😊

امسال شما سال یازدهم هستین و کم کمک دارین به پروسه کنکور نزدیک می‌شین. لازمه که پرکارتر و صبورتر از سال‌های قبل درس بخونین. در هر صورت قبولی در کنکور یکی از راه‌های رسیدن شما به بعضی از هدفاتونه و خوندین که انیشتین عزیز چی فرمودن: «آدمای صبور، موفق می‌شن.» ما هم مثل همیشه همراهتون هستیم تا بهتون کمک کنیم که توی این راه موفق باشین. پس شما هم دستتون رو توی دست ما بذارین و یه یا علی بگین و بلند شین و خودتون رو آماده کنین تا دست در دست هم میهن خود را کنیم آباد 😊 حالا قبلش دست در دست هم بریم و با کتاب جامعه‌شناسی یازدهم و تست‌هایش حال و احوالی کنیم و آماده بشیم برای کسب مهارت در تست‌زنی درس جامعه‌شناسی.

این کتاب سه بخش داره: درس‌نامه، تست و پاسخ

خیلی سعی کردیم در درس‌نامه‌ها و تست‌ها هیچی رو از قلم نندازیم. بخوانیم و بدانیم‌ها، پاورقی‌ها، زیرنویس عکسا و حتی نکته‌های ریزی که در بخش‌های مطالعه کنید، تأمل کنید، گفت‌وگو کنید، تحلیل کنید و ... بوده رو توی درس‌نامه‌ها و تست‌ها آوردیم که دیگه کم و کسری تو این زمینه نباشه. تست‌ها رو طبقه‌بندی نکردیم تا از همین الان تو حال و هوای کنکور و تست‌های مشابه کنکور به سر ببرین. پاسخ‌های تشریحی تست‌ها خودتون یه پا درس‌نامه هستن. در مطالعه پاسخ‌ها به نکات مطرح‌شده حتماً توجه کنین. این از کاری که از دست ما بر میومد. ادامه راه بستگی به همت و پشتکار شما داره. جمله انگیزشی زیر رو که نمی‌دونم از کدوم آدم با ذوقی هست بخون و بسم الله بگو و خودت رو آماده کن برای آینده‌ای درخشان. 😊

«آینده از آن کسانی است که به استقبال آن می‌روند.»

و در آخر سپاسگزار خانواده عزیزم و دوستان خیلی سبزم هستم که با بردباری و شکیبایی در تألیف این کتاب همراه همیشگی‌ام بودند.



فهرست

درس نامه	تست ها
درس اول: جهان فرهنگی	۵۴ — ۸
درس دوم: فرهنگ جهانی	۵۶ — ۱۰
درس سوم: نمونه های فرهنگ جهانی (۱)	۵۹ — ۱۳
درس چهارم: نمونه های فرهنگ جهانی (۲)	۶۱ — ۱۶
درس پنجم: باورها و ارزش های بنیادین فرهنگ غرب	۶۴ — ۱۸
درس ششم: چگونگی تکوین فرهنگ معاصر غرب	۶۸ — ۲۱
درس هفتم: جامعه جهانی	۷۲ — ۲۴
درس هشتم: تحولات نظام جهانی	۷۷ — ۲۸
درس نهم: جهان دوقطبی	۸۲ — ۳۲
درس دهم: جنگ ها و تقابل های جهانی	۸۶ — ۳۵
درس یازدهم: بحران های اقتصادی و زیست محیطی	۹۱ — ۳۸
درس دوازدهم: بحران های معرفتی و معنوی	۹۶ — ۴۰
درس سیزدهم: سرآغاز بیداری اسلامی	۱۰۱ — ۴۳
درس چهاردهم: انقلاب اسلامی ایران، نقطه عطف بیداری اسلامی	۱۰۷ — ۴۶
درس پانزدهم: افق بیداری اسلامی	۱۱۳ — ۴۹
آزمون های جامع	۱۲۱ —
پاسخ نامه تشریحی	۱۴۷ —
پاسخ نامه کلیدی	۱۸۸ —

آن‌چه آموختیم

- سکولاریسم، اومانیسم و روشنگری، عمیق‌ترین لایه‌های فرهنگ معاصر غرب و روح و شالوده آن را تشکیل می‌دهند و این منظومه، فلسفه روشنگری را می‌سازد.
- سکولاریسم، پاسخ فرهنگ معاصر غرب به پرسش‌های هستی‌شناسانه بشر است. سکولاریسم به معنای رویکرد دنیوی و صرفاً این‌جهانی به هستی است.
- اومانیسم مهم‌ترین ویژگی انسان‌شناختی فرهنگ معاصر غرب است و به معنای اصالت انسان دنیوی و این‌جهانی است.

- روشنگری در معنای خاص به مبنای معرفت‌شناسی پذیرفته‌شده در فرهنگ غرب گفته می‌شود.
- روشنگری در سده‌های هفدهم و هجدهم میلادی، بیشتر شکلی عقل‌گرایانه داشت.
- روشنگری در سده‌های نوزدهم و بیستم، بیشتر شکل حس‌گرایانه داشت.
- از پایان قرن بیستم با افول حس‌گرایی، فرهنگ غرب گرفتار بحران معرفت‌شناختی شده است.

آن‌چه در این درس می‌آموزیم

- مقدمه‌ای در مورد ویژگی‌های چالش‌ها و بحران‌های فرهنگ معاصر غرب ■ بحران علمی - معرفتی فرهنگ غرب معاصر
- ابعاد بحران علمی - معرفتی ■ بحران معنویت
- افول سکولاریسم یا پاساسکولاریسم و پیامدهای آن

ویژگی‌های کلی چالش‌های جهانی

- چالش‌های جهانی به تدریج و یکی پس از دیگری آشکار می‌شوند.
- این چالش‌ها اغلب پایان نمی‌یابند و با بروز چالش‌های جدید، چالش‌های پیشین نیز هم‌چنان باقی می‌مانند. برای مثال، چالش فقر و غنا در چند قرن گذشته بروز کرده اما هم‌چنان پابرجاست.
- ابتدا چالش‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی و ... رخ می‌دهند و سپس چالش‌های معرفتی، معنوی، اخلاقی، عاطفی و ... ظاهر می‌شوند.
- این چالش‌ها در مواجهه با سایر فرهنگ‌ها به وجود نمی‌آیند و همگی از درون فرهنگ غرب برمی‌خیزند.



- علت این چالش‌ها درونی است نه بیرونی. به همین دلیل، فرهنگ غرب نمی‌تواند آن‌ها را به دیگران نسبت دهد.
- وقتی آثار چنین چالش‌هایی در سطح جهان آشکار می‌شود، فرهنگ‌های دیگر نباید برای مهار آن‌ها، به همان راهی بروند که جهان غرب می‌رود و نباید چاره‌ای این چالش‌ها و درمان این دردها را از غرب بخواهند.
- برخی چالش‌ها مربوط به لایه‌های سطحی‌تر و برخی مربوط به لایه‌های عمیق‌تر فرهنگ‌اند.
- تمامی چالش‌های جهانی از لایه‌های عمیق فرهنگ غرب (لایه‌های هویتی) برمی‌خیزند.
- بحران‌های معرفتی و معنوی به لایه‌های عمیق فرهنگ معاصر غرب تعلق دارند.



توضیح تصویر: همان‌گونه که گفته شد، ابتدا چالش‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی رخ می‌دهند و سپس چالش‌های معرفتی، معنوی، اخلاقی و عاطفی ظاهر می‌شوند. در درس ۶ هم خواندیم که سکولاریسم ابتدا در زندگی اجتماعی و فرهنگ عمومی گسترش پیدا کرد و سپس به لایه‌های عمیق تسری پیدا کرد. در مقدمه این درس آمده بود که تمامی چالش‌های جهانی از عقاید و ارزش‌های فرهنگ غرب برمی‌خیزند، ولی بحران‌های معرفتی و معنوی به خود این عقاید و ارزش‌ها یا لایه بنیادین فرهنگ غرب تعلق دارند. در این تصویر در ستون سمت راست، لایه‌های مختلف فرهنگ غرب (لایه‌های عمیق و لایه‌های سطحی) مشخص شده و در ستون میانی، ابعاد مختلف جامعه و در ستون سمت چپ، بحران‌های متناظر با دو ستون اول آمده است. برای درک بهتر تصویر به جدول زیر توجه کنید:

بحران‌های متناظر	ابعاد جامعه	لایه‌های فرهنگ
معرفتی - معنوی	فرهنگی	عقاید و باورها
فقر و غنا	اجتماعی	ارزش‌ها
جنگ‌ها و تقابلهای جهانی، تقابل بلوک شرق و غرب، تقابل شمال و جنوب و ...)	سیاسی	هنجارها
بحران‌های اقتصادی / بحران‌های زیست‌محیطی	اقتصادی	نمادها

نکته البته همان‌گونه که در تصویر مشاهده می‌کنید، لایه‌های مختلف فرهنگ با ابعاد مختلف جامعه در هم تنیده هستند و شبکه‌ای از روابط میان آن‌ها برقرار است. به این معنا که هر کدام از لایه‌های فرهنگ می‌توانند ابعاد مختلفی داشته باشند و برعکس، هر کدام از ابعاد جامعه می‌توانند مربوط به لایه‌های مختلف فرهنگ باشند. برای مثال نمادهای غربی می‌توانند سیاسی، اقتصادی و یا اجتماعی باشند و ریشه در فرهنگ غرب دارند.

بحران معرفتی

فرهنگ غرب دو بحران علمی - معرفتی را از سر گذرانده است:

الف - بحران معرفتی دوران رنسانس **ب - بحران معرفتی جدید**

بحران معرفتی دوران رنسانس

■ در فرهنگ قرون وسطی، کتاب مقدس و شهود آباء کلیسا، معتبرترین راه شناخت جهان بود و شناخت از راه عقل و تجربه نادیده گرفته می‌شد. ■ در دوران رنسانس، این روش معرفتی مورد تردید قرار گرفت و به تدریج به بحران معرفتی انجامید.	دلیل بحران
■ جهان غرب برای برون‌رفت از این بحران، وحی و شهود را در شناخت علمی نادیده گرفت و به شناخت از راه عقل و تجربه بسنده کرد.	راه‌حل جهان غرب برای برون‌رفت از بحران
نکته ۱ در سده‌های ۱۷ و ۱۸، شناخت عقل‌گرایانه غلبه داشت که بیش از دو سده دوام نیاورد. نکته ۲ در سده‌های ۱۹ و ۲۰، شناخت حس‌گرایانه غلبه داشت و در طی این دو قرن، شناخت حسی و تجربی تنها راه شناخت علمی دانسته می‌شد.	

رویکرد جامعه‌شناسی قرن نوزدهم: (جامعه‌شناسی در قرن نوزدهم بنیان گذاشته شد)

- در قرن نوزدهم، جامعه‌شناسان به دنبال آن بودند تا درباره حقایقی که پیامبران از طریق وحی درباره جامعه بشری بیان کرده‌اند یا عالمان با استدلال عقلی به آن رسیده‌اند، با روش حسی و تجربی داوری کنند.
- جامعه‌شناسان قرن نوزدهم روش تجربی خود را تنها راه درست برای شناخت جهان هستی می‌دانستند.
- جامعه‌شناسان قرن نوزدهم معتقد بودند آگاهی‌ها و علوم جوامع دیگر غیرعلمی است. بدین ترتیب، غرب این مطلب را به نخبگان جوامع غیرغربی القا می‌کرد که پیروی از فرهنگ غرب تنها راه پیشرفت و توسعه دیگر فرهنگ‌هاست.

آغاز بحران الف در نیمه اول قرن بیستم، محدودیت‌های علمی دانش تجربی روشن شد.^۱ ب در نیمه دوم قرن بیستم، وابستگی دانش تجربی به معرفت‌های غیرتجربی و غیرحسی آشکار شد.^۲	در نیمه اول قرن بیستم، با روشن شدن محدودیت‌های علم تجربی، علم از داوری‌های ارزشی دست برداشت و به امور طبیعی محدود شد. در نیمه دوم قرن بیستم، با روشن شدن این که علم تجربی دارای مبانی غیرتجربی است، علم مدرن زیر سؤال رفت و آشکار شد علم تجربی غربی تنها تفسیر ممکن از جهان طبیعت نیست؛ بلکه تفسیرهای متناسب با فرهنگ‌های دیگر نیز می‌تواند وجود داشته باشد. (مثلاً تفسیر توحیدی از طبیعت)
---	---

ابعاد بحران معرفتی - علمی جدید فرهنگ غرب

تردید درباره مبانی علوم تجربی غربی، در حقیقت تردید درباره بنیان‌های هویتی فرهنگ غرب یعنی لایه‌های عمیق یا همان فلسفه روشنگری بود. این پرسش، بحران معرفتی - علمی در دو بُعد ظاهر شد:

۱) افول روشنگری و شکل‌گیری جریان‌های پُست‌مدرن



نکته دانشمندانی را که در اصل روشنگری علم مدرن تردید کرده‌اند، پسامدرن می‌خوانند، زیرا از اصول جهان مدرن عبور کرده و به فراسوی آن رسیده‌اند.

۲) ناسازگاری بین ابعاد معرفتی جهان غرب با نیازهای اقتصادی و سیاسی آن

متفکران پسامدرن زمانی در اصول و مبانی فرهنگ غرب تردید کردند که سیاست و اقتصاد جهان غرب، ابعاد جهانی پیدا کرده بود و نیازمند علمی بود که حضور جهانی آن را توجیه کند اما اندیشه‌های پسامدرن این ظرفیت را نداشتند.^۳

ناتوانی جهان غرب برای توجیه حضور جهانی خود، در شرایطی که اقتصاد و سیاستش به این حضور نیاز دارد، بُعد دیگری از بحران معرفتی - علمی است؛ یعنی ناسازگاری بین عملکرد اقتصادی و سیاسی غرب با توانمندی‌های معرفتی و علمی آن.

نکته فرهنگی که توان معرفتی لازم برای دفاع از ابعاد گسترده اقتصادی و سیاسی خویش را نداشته باشد، به حیوان فرتوتی می‌ماند که با وجود جثه عظیم خود، زمین گیر و آسیب پذیر شده است.

بحران معنویت

در سال‌های پایانی قرن بیستم، در فرهنگ غرب گرایش به دین و معنویت از سر گرفته شده است و حتی برای پاسخ‌دادن به نیاز فطری آدمی به معنویت، دین‌های جدید و عرفان‌های رنگارنگ همانند قارچ از زمین روییده‌اند و عده‌ای از آن پیروی می‌کنند.

سکولاریسم و پساسکولاریسم

در فرهنگ مدرن، سکولاریسم به صورت آشکار مطرح شد. در این فرهنگ، گرایش‌ها و رفتارهای دینی تنها با توجیه دنیوی امکان مطرح شدن دارند. سکولاریسم به ترتیب در حوزه‌های هنر، اقتصاد، سیاست و علم ظاهر گردید و فرهنگ تخصصی هر یک از این حوزه‌ها، سکولار و دنیوی شد؛ اما فرهنگ عمومی جامعه غربی در محدوده زندگی شخصی و خصوصی افراد، همچنان دینی باقی ماند. (برای مثال؛ برگزاری مراسم عید پاک، ازدواج و تدفین براساس آموزه‌های مسیحیت بیانگر حضور دین در فرهنگ عمومی جامعه غربی است.)	برخی از جامعه‌شناسان بر این گمان بودند که در قرن بیستم، دین از آخرین عرصه حضور خود - یعنی قلمرو فرهنگ عمومی - نیز بیرون خواهد رفت اما واقعیت، خلاف این پیش‌بینی را نشان داد. طی قرن بیستم نه تنها دین از فرهنگ عمومی مردم خارج نشد؛ بلکه در سال‌های پایانی آن، نگاه معنوی و دینی، به سطوح مختلف زندگی انسان‌ها بازگشت. بعضی از متفکران از این موج که نشانه بحران معنویت در فرهنگ غرب است با عناوین «افول سکولاریسم» و «پساسکولاریسم» یاد کردند.
---	--

۱- دانش تجربی محدودیت‌های متعددی دارد که به دو مورد آن اشاره می‌شود: یکی این که دانش تجربی نمی‌تواند تمامی پدیده‌های جهان هستی را بشناسد و بررسی کند؛ زیرا پدیده‌هایی در این جهان وجود دارند که حسی نیستند و باید از طریق عقل و وحی نسبت به آنها شناخت پیدا کرد. محدودیت دیگر دانش تجربی این است که این نوع دانش، توانایی داوری ارزشی و انتقادی ندارد و صرفاً به توصیف امور قابل مشاهده می‌پردازد. (سال آینده در کتاب جامعه‌شناسی ۳ بیشتر با این مباحث آشنا خواهید شد.)

۲- علوم تجربی استقلال از خود ندارند و مبانی غیرتجربی دارند. به این معنا که یک سری پیش‌فرض‌هایی برای شروع شناخت تجربی پدیده‌ها لازم است که از دل خود علم تجربی بیرون نمی‌آیند، بلکه از علوم عقلانی و فلسفه نشأت می‌گیرند. برای مثال، اگر یک جامعه‌شناس در مورد موضوع اجتماعی پژوهش تجربی انجام می‌دهد، لازم است که در ابتدا پیش‌فرض‌هایی را بپذیرد و یا تکلیف برخی از مباحث پیشینی (وجود، ماهیت، حقیقت، واقعیت و ...) را مشخص کند. از طرف دیگر، جهان‌بینی و نوع نگرش افراد و به‌خصوص نظریه‌پردازان در نگاه علمی - تجربی آن‌ها تأثیر بسزایی دارد. برای مثال، جهان‌بینی توحیدی و جهان‌بینی سکولار می‌توانند مسیرهای متفاوتی را برای رشد علوم تجربی رقم بزنند.

۳- سیاست و اقتصاد جهان غرب براساس اصول و ارزش‌های مدرن (سکولاریسم، اومانیسم، روشنگری و لیبرالیسم) شکل گرفته است. با شکل‌گیری بحران علمی - معرفتی جدید، به نظر می‌رسد که میان سیاست و اقتصاد غرب (برگ و شاخه‌های درخت مدرنیته) و لایه‌های بنیادین این فرهنگ (ریشه‌های این درخت) ناسازگاری وجود دارد. اندیشه‌های متفکرین پسامدرن هم به دلیل نواقصی که دارند نمی‌توانند حضور جهانی غرب را توجیه کنند. یعنی این اندیشه‌ها ظرفیت و توانایی این را ندارند که پشتوانه سیاست و اقتصاد جهانی غرب باشند.

مهم‌ترین علت تداوم باور دینی و معنوی در زندگی انسان، نیاز فطری آدمی به حقایق قدسی و ماوراء طبیعی است. یک فرهنگ علاوه بر آن که به نیازهای جسمانی و دنیوی انسان پاسخ می‌دهد، باید به نیازهای معنوی و قدسی او نیز پاسخ دهد. همان‌گونه که بی‌توجهی به ابعاد دنیوی به بهانه رویکرد معنوی، به بحران منجر می‌شود، غفلت از ابعاد معنوی به بهانه رویکرد دنیوی شکل دیگری از بحران (بحران معنویت) را به دنبال می‌آورد.



نکته چالش‌های معنوی، اخلاقی و عاطفی، چالش‌های برخاسته از عمق فرهنگ غرب هستند.

پیامدهای اجتماعی گریز و رویگردانی از سکولاریسم در جوامع غربی:

- برخی از نخبگان جهان غرب را در جست‌وجوی سنت‌های قدسی و دینی^۱ فعال ساخت.
- مهاجران ساکن کشورهای غربی را که طی قرن بیستم اغلب مقهور فرهنگ مدرن شده بودند، به سوی هویت دینی خود فراخواند.
- بازار معنویت‌های کاذب و دروغین را رونق بخشید. خرافه‌پرستی، شیطان‌پرستی و انواع بازسازی‌شده ادیان و عرفان‌های شرقی و سرخ‌پوستی، نمونه‌هایی از این معنویت‌های دروغین هستند.

خلاصه

بحران‌های عمیق فرهنگ غرب	پیامدها
بحران معرفتی	■ زیر سؤال رفتن علم مدرن و تردید در بنیان‌های هویتی فرهنگ غرب ■ آشکار شد که علم تجربی غربی تنها تفسیر ممکن از جهان طبیعت نیست. ■ شکل‌گیری اندیشه‌های پسامدرن
	■ فعال ساختن نخبگان جهان غرب در جهت جست‌وجوی سنت‌های قدسی و دینی ■ فراخواندن مهاجران ساکن کشورهای غربی به سوی هویت دینی خود ■ رونق یافتن بازار معنویت‌های کاذب و دروغین
بحران معنویت	

نکته آخر: اجلاس هزارهٔ ادیان در آستانهٔ قرن بیست و یکم در نیویورک برگزار شد و در آن، اندیشمندانی از ادیان گوناگون گرد هم آمدند تا نقش دین را در استقرار صلح جهان بررسی کنند.

جمع‌بندی: اقدامات و جنبش‌ها در مقابله با بحران‌ها و چالش‌های ناشی از فرهنگ غرب

چالش فقر و غنا	ظهور مارکسیسم
جنگ‌های جهانی	نام‌گذاری روز ۲۱ سپتامبر به عنوان روز جهانی صلح و به صدا درآمدن زنگ صلح در سازمان ملل
بحران‌های اقتصادی	شکل‌گیری جنبش‌ها و اعتراضات از جمله جنبش وال استریت
بحران‌های زیست‌محیطی	پیمان باسل، جنبش‌های زیست‌محیطی، همایش‌های بین‌المللی
بحران معرفتی	شکل‌گیری جریان‌های پست‌مدرن
بحران معنویت	شکل‌گیری و گسترش رویکردها و اندیشه‌های پاسکولاریسم، اجلاس هزارهٔ ادیان

۳۰۲- در رابطه با ویژگی های چالش های جهانی، کدام یک درست است؟

- (۱) چالش های جهانی به تدریج و یکی پس از دیگری آشکار می شوند. چالش های پیشین با بروز چالش های جدید اغلب پایان می یابند.
 - (۲) ابتدا چالش های اقتصادی، سیاسی، نظامی و ... رخ می دهند و سپس چالش های معرفتی، معنوی، اخلاقی، عاطفی و ... ظاهر می شوند.
 - (۳) این چالش ها در مواجهه با سایر فرهنگ ها به وجود می آیند و همگی از درون فرهنگ غرب بر نمی خیزند.
 - (۴) تمامی چالش های جهانی به خصوص بحران معرفتی و معنوی به لایه های عمیق فرهنگ معاصر غرب تعلق دارند.
- ۳۰۳- کدام مفاهیم، روح و شالوده فرهنگ معاصر غرب (لایه هویتی) را تشکیل می دهند و کدام چالش ها و بحران های جهانی به این لایه تعلق دارد؟

- (۱) رویکرد دنیوی، اصالت انسان، روشنگری - بحران های زیست محیطی
 - (۲) سکولاریسم، لیبرالیسم و روشنگری - بحران های عاطفی و اخلاقی
 - (۳) هستی شناسی سکولار، انسان شناسی دنیوی و اندیشه سیاسی لیبرال - چالش های فقر و غنا و بلوک شرق و غرب
 - (۴) سکولاریسم، اومانیزم و روشنگری - بحران های معرفتی و معنوی
- ۳۰۴- پاسخ پرسش های زیر به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- ابتدا کدام چالش های جهانی رخ می دهند؟
 - چالش فقر و غنا جزء چالش هایی است که تمام شده یا باقی مانده است؟
 - در قرن نوزدهم و بیستم، تنها راه شناخت علمی کدام بود؟
 - (۱) چالش های معرفتی، معنوی، اخلاقی و عاطفی - باقی مانده - شناخت حسی و تجربی
 - (۲) چالش های اقتصادی، سیاسی، نظامی - باقی مانده - شناخت حسی و تجربی
 - (۳) چالش های معرفتی، معنوی، اخلاقی و عاطفی - تمام شده - شناخت عقلی
 - (۴) چالش های اقتصادی، سیاسی، نظامی - تمام شده - شناخت عقلی
- ۳۰۵- به ترتیب در رابطه با بحران های متناظر با فرهنگ و جامعه، کدام گزینه درست نیست؟ (دایره وسط، بحران، دایره سمت راست، لایه فرهنگ و دایره سمت چپ، ابعاد مختلف جامعه را نشان می دهد).



۳۰۶- در فرهنگ قرون وسطی، معتبرترین راه شناخت جهان کدام بود و کدام منابع شناخت، نادیده گرفته می شد؟

- (۱) کتاب مقدس و شهود آباء کلیسا - عقل و وحی
- (۲) شناخت عقلی و وحیانی - شهود و تجربه
- (۳) کتاب مقدس و شهود آباء کلیسا - عقل و تجربه
- (۴) شناخت عقلی و دینی - حس و تجربه

۳۰۷- در رابطه با بحران معرفتی، موارد زیر نشانگر چیست؟

- بسنده کردن به شناخت از راه عقل و تجربه
- دست برداشتن علم از داورهای ارزشی
- نادیده گرفتن شناخت از راه عقل و تجربه

- (۱) رویکرد معرفت شناختی فرهنگ جدید غرب - روشن شدن محدودیت های علم تجربی - رویکرد معرفت شناختی قرون وسطی
- (۲) راه حل فرهنگ غرب برای برون رفت از بحران معرفتی دوران رنسانس - وابستگی علم تجربی به معرفت های غیر تجربی - رویکرد معرفت شناختی دوران رنسانس
- (۳) رویکرد معرفت شناختی قرون وسطی - محدود شدن علم به امور طبیعی - رویکرد معرفت شناختی غرب جدید
- (۴) راه حل فرهنگ غرب برای حل بحران معرفتی جدید - روشن شدن محدودیت های علم تجربی - رویکرد معرفت شناختی قرون وسطی

۳۰۸- با توجه به رویکرد معرفتی فرهنگ غرب، ویژگی های هر یک از دوره های زیر، به ترتیب کدام است؟

«نیمه دوم قرن بیستم - قرن نوزدهم - نیمه اول قرن بیستم»

- (۱) روشن شدن وابستگی علم تجربی به مبانی غیر تجربی - بسنده کردن به شناخت از راه عقل و تجربه - روشن شدن محدودیت های علم تجربی
- (۲) زیر سؤال رفتن علم مدرن - محدود شدن شناخت علمی به شناخت حسی و تجربی - محدود شدن علم به امور طبیعی
- (۳) آغاز بحران معرفتی جدید غرب - پایان بحران معرفتی دوران رنسانس - آشکار شدن محدودیت های علم تجربی
- (۴) نادیده گرفتن وحی و شهود در شناخت علمی - غیر علمی دانستن آگاهی ها و علوم جوامع دیگر - زیر سؤال رفتن علم مدرن

۳۰۹- در دوران رنسانس، کدام روش معرفتی مورد تردید قرار گرفت؟ پیامد آن چه بود و غرب برای برون رفت از وضعیت جدید، چه اقدامی انجام داد؟

- (۱) نادیده گرفتن وحی و شهود در شناخت علمی - بحران معرفتی - شناخت تجربی را تنها راه شناخت علمی دانست.
- (۲) نادیده گرفتن شناخت از راه عقل و تجربه - بحران معرفتی - وحی و شهود را در شناخت علمی نادیده گرفت.
- (۳) رویکرد معرفت شناختی قرون وسطی - نادیده گرفتن وحی و شهود در شناخت علمی - شناخت تجربی را تنها راه شناخت علمی دانست.
- (۴) بسنده کردن به شناخت از راه عقل و تجربه - آشکار شدن محدودیت های شناخت تجربی و عقلی - وحی و شهود را به عنوان منابع شناخت پذیرفت.

۳۱۰- بحران معرفتی جدید فرهنگ غرب چه زمانی آغاز شد؟

- (۱) زمانی که شناخت علمی محدود به شناخت تجربی شد و علوم و آگاهی های جوامع دیگر غیر علمی دانسته شد.
- (۲) هنگامی که به شناخت از راه عقل و تجربه بسنده شد و وحی و شهود در شناخت علمی نادیده گرفته شد.
- (۳) هنگامی که محدودیت های علمی دانش تجربی و هم چنین وابستگی آن به معرفت های غیر تجربی آشکار شد.
- (۴) زمانی که علم از داور های ارزشی دست برداشت و به امور طبیعی محدود شد.

۳۱۱- با توجه به بحران معرفتی فرهنگ جدید غرب، کدام روند درست نیست؟

- (۱) نیمه اول قرن بیستم ← روشن شدن محدودیت های علم تجربی ← دست برداشتن علم از داور های ارزشی ← محدود شدن علم به امور طبیعی ← بحران معرفتی جدید
- (۲) نادیده گرفتن شناخت عقلی و تجربی در قرون وسطی ← تردید در این روش معرفتی ← بحران معرفتی ← نادیده گرفتن وحی و شهود در شناخت علمی ← بسنده کردن به شناخت عقلی و تجربی
- (۳) بسنده کردن به شناخت عقلی ← عدم تداوم شناخت عقلی ← پذیرفتن شناخت تجربی به عنوان تنها راه شناخت علمی ← آشکار شدن محدودیت های علم تجربی ← بحران معرفتی جدید
- (۴) نیمه دوم قرن بیستم ← آشکار شدن وابستگی علم غیر تجربی به معرفت های تجربی ← زیر سؤال رفتن علم مدرن ← تردید در مبانی علوم تجربی غربی ← بحران معرفتی جدید

۳۱۲- با توجه به رویکرد معرفت شناختی فرهنگ جدید غرب، به ترتیب کدام عبارت در مورد ویژگی های نیمه اول قرن بیستم درست و در رابطه

با ویژگی های نیمه دوم قرن بیستم نادرست است؟

- (۱) محدودیت های علم تجربی روشن شد - به شناخت از راه عقل و تجربه بسنده شد.
 - (۲) تنها راه شناخت علمی، حس و تجربه دانسته شد - علم مدرن زیر سؤال رفت.
 - (۳) آشکار شد علم تجربی تنها تفسیر ممکن از جهان طبیعت نیست - علم از داور های ارزشی دست برداشت.
 - (۴) به شناخت عقلی بسنده شد - روشن شد علم تجربی دارای مبانی غیر تجربی است.
- ۳۱۳- به ترتیب، عبارت نادرست درباره رویکرد جامعه شناسان قرن نوزدهم کدام است؟ در قرن نوزدهم غرب چه مطلبی را به نخبگان جوامع غیر غربی القا می کرد؟

- (۱) به دنبال آن بودند تا درباره حقایقی که پیامبران از طریق وحی درباره جامعه بشری بیان کرده اند یا عالمان با استدلال عقلی به آن رسیده اند، با روش حسی و تجربی داور ی کنند - بسنده کردن به شناخت تجربی باعث توسعه فرهنگ غرب شده است.
- (۲) روش تجربی خود را تنها راه درست برای شناخت جهان هستی می دانستند - وحی و شهود از منابع شناخت علمی نیستند.
- (۳) معتقد بودند آگاهی ها و علوم جوامع دیگر غیر علمی است - تنها راه شناخت علمی، روش حسی و تجربی است.
- (۴) آشکار کردند که علم تجربی، مبانی غیر تجربی دارد - پیروی از فرهنگ غرب تنها راه پیشرفت و توسعه دیگر فرهنگ ها است.

۳۱۴- زمانی که علم مدرن در نیمه دوم قرن بیستم زیر سؤال رفت، چه موضوعی آشکار شد؟ تردید درباره مبانی علوم تجربی غربی، در حقیقت به معنای تردید در چه بود؟

- (۱) وابستگی علم تجربی به معرفت های غیر تجربی - هویت روشنگرانۀ علم تجربی
- (۲) علم تجربی غربی تنها تفسیر ممکن از جهان طبیعت نیست - بنیان های هویتی فرهنگ غرب
- (۳) علم تجربی نمی تواند داور ی ارزشی کند - فلسفه روشنگری
- (۴) ناتوانی جهان غرب در توجیه حضور جهانی خود - استقلال معرفت تجربی

۳۱۵- در ارتباط با افول روشنگری و شکل گیری جریان های پست مدرن، کدام روند درست است؟

- (۱) بسنده کردن به شناخت عقلی و تجربی ← نادیده گرفتن وحی و شهود در شناخت علمی ← آشکار شدن محدودیت های علم تجربی ← تردید در اصول روشنگری علم مدرن ← شکل گیری پست مدرنیسم
- (۲) جهانی شدن سیاست و اقتصاد فرهنگ غرب ← ناسازگاری ابعاد معرفتی جهان غرب با اقتصاد و سیاستش ← شکل گیری بحران معرفت شناختی غرب ← تردید در اصول روشنگری علم مدرن ← شکل گیری جریان های پست مدرن
- (۳) غیر علمی دانستن شناخت غیر تجربی در قرن نوزدهم ← مشخص شدن وابستگی علم تجربی به معرفت های غیر تجربی ← مخدوش شدن استقلال معرفت تجربی ← تردید در هویت معرفت شناختی جهان مدرن ← شکل گیری جریان های پست مدرن
- (۴) آشکار شدن محدودیت های شناخت عقلی ← پذیرش شناخت تجربی به عنوان تنها راه شناخت علمی ← روشن شدن وابستگی علوم غیر تجربی به معرفت های تجربی ← تردید در هویت روشنگرانۀ معرفت تجربی ← شکل گیری پست مدرنیسم

۳۱۶- پاسخ پرسش‌های زیر به ترتیب، کدام است؟

- مهم‌ترین علت تداوم باورهای دینی و معنوی در زندگی انسان چیست؟
- ناتوانی جهان غرب برای توجیه حضور جهانی خود به چه معناست؟
- در جهان مدرن، کدام بخش فرهنگ غرب سکولار و دنیوی شد؟

- (۱) نیاز فطری آدمی به حقایق قدسی و طبیعی - عدم ظرفیت اندیشه‌های پسامدرن در پاسخ به نیازهای اقتصادی و سیاسی غرب - فرهنگ عمومی
- (۲) پاسخ به پرسش‌های بنیادین بشر - ناسازگاری ابعاد معرفتی جهان غرب با نیازهای اقتصادی و سیاسی آن - فرهنگ عمومی
- (۳) نیاز فطری آدمی به حقایق قدسی و ماوراء طبیعی - ناسازگاری بین عملکرد اقتصادی و سیاسی غرب با توانمندی‌های معرفتی و علمی آن - فرهنگ تخصصی حوزه‌های مختلف
- (۴) پاسخ به نیازهای عاطفی و اخلاقی بشر - محدودیت‌های دانش تجربی و عدم پاسخگویی این دانش به نیازهای اقتصادی و سیاسی غرب - فرهنگ تخصصی حوزه‌های مختلف

۳۱۷- بازگشت نگاه معنوی و دینی به سطوح مختلف زندگی انسان‌ها در جهان غرب، نشانه‌ی چه بود و بعضی از متفکران با چه عناوینی از آن یاد می‌کنند؟

- (۱) بحران دینی و معنوی در فرهنگ غرب - افول روشنگری، پسامدرنیسم
- (۲) بحران معرفت‌شناختی در فرهنگ غرب - افول سکولاریسم، پاسکولاریسم
- (۳) بحران معرفتی و معنوی جهان غرب - افول روشنگری، پسامدرنیسم
- (۴) بحران معنویت در فرهنگ غرب - افول سکولاریسم، پاسکولاریسم

۳۱۸- هر یک از موارد زیر، به ترتیب چه پیامدی داشتند؟

- روشن‌شدن وابستگی علم تجربی به مبانی غیرتجربی
- آشکارشدن محدودیت‌های علم تجربی
- اصالت‌بخشیدن به انسان دنیوی در قرن بیستم

- (۱) بسنده‌کردن به شناخت عقلی - ناتوانی جهان غرب برای توجیه حضور جهانی خود - نرسیدن به آرمان‌های انقلاب فرانسه
- (۲) تردید در هویت روشنگرانه معرفت تجربی - دست‌برداشتن علم از داوری ارزشی - پوچ‌گرایی و ناامیدی
- (۳) زیر سؤال رفتن علم مدرن - آشکار شد علم تجربی غربی تنها تفسیر ممکن از جهان طبیعت نیست - مرگ آرمان‌ها و امیدها
- (۴) مخدوش‌شدن استقلال معرفت تجربی - افول روشنگری - شکل‌گیری جریان‌های پست‌مدرن

۳۱۹- متفکران زمانی در مبانی فرهنگ غرب تردید کردند که و جهان غرب ابعاد جهانی پیدا کرده بود و نیازمند بود که حضور جهانی آن را توجیه کند اما اندیشه‌های این ظرفیت را نداشتند.

- (۱) پسامدرن - سیاست - اقتصاد - علمی - پسامدرن
- (۲) مدرن - فرهنگ - سیاست - قدرتی - پسامدرن
- (۳) پسامدرن - فرهنگ - اقتصاد - سیاسی - مدرن
- (۴) مدرن - سیاست - اقتصاد - علمی - مدرن

۳۲۰- کدام مورد از پیامدهای گریز و رویگردانی از سکولاریسم در جوامع غربی نیست؟

- (۱) به پوچ‌گرایی، یأس و ناامیدی و مرگ آرمان‌ها و امیدهای بشر انجامید.
- (۲) برخی از نخبگان جهان غرب را در جست‌وجوی سنت‌های قدسی و دینی خود فعال ساخت.
- (۳) مهاجران ساکن کشورهای غربی را که طی قرن بیستم اغلب مقهور فرهنگ مدرن شده بودند، به سوی هویت دینی خود فراخواند.
- (۴) بازار معنویت‌های کاذب و دروغین را رونق بخشید. خرافه‌پرستی، شیطان‌پرستی و انواع بازسازی‌شده ادیان و عرفان‌های شرقی، نمونه‌هایی از این معنویت‌های دروغین هستند.

(ترکیبی با درس ۱۱)

۳۲۱- هر یک از موارد زیر با چه موضوعی مرتبط است؟

- افول روشنگری
- برگزاری مراسم عید پاک در جوامع غربی
- به وجود آمدن جنبش‌های اجتماعی جدید

- (۱) پاسکولاریسم - حضور دین در فرهنگ تخصصی حوزه‌های مختلف - بحران معنویت
- (۲) رویگردانی از سکولاریسم - حضور دین در فرهنگ عمومی - بحران معرفتی
- (۳) پست‌مدرنیسم - حضور دین در فرهنگ عمومی - بحران‌های زیست‌محیطی
- (۴) بحران معرفتی-علمی - حضور دین در فرهنگ تخصصی حوزه‌های مختلف - بحران‌های اقتصادی

(ترکیبی با درس‌های ۱۰ و ۱۱)

۳۲۲- صحیح یا غلط بودن عبارت‌های زیر را مشخص کنید.

- مفاهیم شمال و جنوب عمدتاً بعد از جنگ جهانی اول به کار برده شد.
- جامعه‌شناسی قرن نوزدهم، روش تجربی را تنها راه درست برای شناخت جهان هستی می‌دانست.
- به منظور چاره‌اندیشی برای آسیب‌های ناشی از بحران‌های زیست‌محیطی، همایش‌های بین‌المللی متعددی برگزار شده است که توانسته‌اند از شتاب این بحران بکاهند.
- بعد از جنگ جهانی دوم، صلحی پایدار بین دو بلوک شرق و غرب برقرار نشد.

- (۱) ص - غ - ص - غ
- (۲) غ - ص - ص - غ
- (۳) ص - غ - غ - ص
- (۴) غ - ص - غ - ص

۳۲۳- تردید در روشنگری به منزله تردید در کدام بخش هویتی جهان مدرن بود؟ رواج خرافه پرستی و شیطان پرستی در جوامع غربی، پیامد چیست؟ بحران اقتصادی اخیر در اروپا و آمریکا از چه سالی شروع شده است؟ (ترکیبی با درس II)

- (۱) هویت علمی - رویگردانی از سکولاریسم - سال ۲۰۱۸
- (۲) معرفت شناختی - افول سکولاریسم - سال ۲۰۰۸
- (۳) هستی شناختی - سکولاریسم - سال ۲۰۱۸
- (۴) انسان شناختی - پساسکولاریسم - سال ۲۰۰۸

۳۲۴- سکولاریسم به ترتیب در کدام حوزه های تخصصی فرهنگ غرب ظاهر گردید؟ در کدام فرهنگ، انسان گمان می کند با تسخیر طبیعت و تصرف آن می تواند تمامی مسائل و مشکلات خود را حل کند؟ (ترکیبی با درس II)

- (۱) هنر، اقتصاد، سیاست و علم - فرهنگ مدرن غرب
- (۲) اقتصاد، سیاست، هنر و علم - فرهنگ اساطیری
- (۳) علم، سیاست، اقتصاد و هنر - فرهنگ اساطیری
- (۴) هنر، علم، اقتصاد و سیاست - فرهنگ مدرن غرب

۳۲۵- انسان مدرن به چه دلیلی، نگاه دینی و معنوی به طبیعت را کودکانه می پندارد و با چه روش هایی در طبیعت تصرف می کند؟ کدام چالش جهانی در چند قرن گذشته بروز کرد اما همچنان پابرجاست؟ در چه قرن های جامعه شناسان، آگاهی ها و علوم جوامع دیگر را غیر علمی می دانستند؟ (ترکیبی با درس II)

- (۱) نگاه دنیوی - فنون و روش های تجربی - فقر و غنا - قرن نوزدهم
- (۲) رویگردانی از دین - فنون و روش های تجربی - بحران های زیست محیطی - قرن بیستم
- (۳) گسترش صنعت و فناوری مدرن - عقل ابزاری و علوم طبیعی - بحران های اقتصادی - قرن نوزدهم
- (۴) وقوع انقلاب صنعتی - صنعت و تجارت - مرکز و پیرامون - قرن بیستم

۳۲۶- در دوره های رنسانس و قرون وسطی، به ترتیب کدام منابع شناخت علمی نادیده گرفته می شد؟ کدام صورت روشنگری به دنیسم ختم شد؟ (ترکیبی با درس II)

- (۱) عقل و تجربه، وحی و شهود - روشنگری عقل گرایانه
- (۲) حس و تجربه، عقل و وحی - روشنگری حس گرایانه
- (۳) وحی و عقل، حس و تجربه - روشنگری حس گرایانه
- (۴) وحی و شهود، عقل و تجربه - روشنگری عقل گرایانه

۳۲۷- دو تصویر «الف» و «ب» به ترتیب، بیانگر کدام معانی و مفاهیم نیستند؟ (ترکیبی با درس II)



ب) اندونزی



الف) گورستان مسیحیان

(۱) در فرهنگ مدرن، سکولاریسم به صورت آشکار مطرح شد. در این فرهنگ، گرایش ها و رفتارهای دینی تنها با توجیه دنیوی امکان مطرح شدن دارند - در قرن بیستم، کشورهای غربی، زباله های ستمی خود را به کشورهای جهان سوم ارسال می کردند تا در آن جا دفن یا انبار شود. برخی جنبش های حامی محیط زیست این اقدام را استعمار ستمی و نژادپرستی زیست محیطی نامیده اند.

(۲) فرهنگ تخصصی جهان غرب سکولار و دنیوی شد؛ اما فرهنگ عمومی جامعه غربی در محدوده زندگی شخصی و خصوصی افراد، همچنان دینی باقی ماند - در استعمار ستمی، جوامع سلطه گر که حتی سوزاندن زباله و دفن پلاستیک را در خاک خود ممنوع اعلام کرده اند، مردم و سرزمینی دیگر را «زباله بان و زباله دان» خود می دانند و زباله های اتمی و ستمی خود را در خاک آن ها دفن می کنند.

(۳) برخی از جامعه شناسان بر این گمان بودند که در قرن بیستم، دین از آخرین عرصه حضور خود، یعنی قلمرو فرهنگ عمومی نیز بیرون خواهد رفت اما واقعیت، خلاف این پیش بینی را نشان داد - در قرن بیست و یکم، صادرات زباله همچنان یک تجارت بین المللی پررونق و رو به گسترش است که در کشورهای جهان سوم بحران ایجاد می کند.

(۴) طی قرن بیستم دین از فرهنگ عمومی مردم خارج شد؛ ولی در سال های پایانی آن، نگاه معنوی و دینی، به سطوح مختلف زندگی انسان ها بازگشت - در سال ۱۹۸۹ میلادی، سازمان ملل با طرح «پیمان باسل» تلاش کرد تا از انتقال زباله های کشورهای صنعتی به کشورهای فقیر جلوگیری کند. همه کشورهای غربی پیمان باسل را پذیرفتند ولی آمریکا با دورزدن قوانین بین المللی، سوء استفاده از نیاز مالی و کم اطلاعی افراد یا دولت ها، همچنان به صدور زباله های خود به کشورهای فقیر مشغول است.

۳۲۸- چه زمانی بحران معرفتی جدید در فرهنگ غرب آغاز شد و تردید در روشنگری مدرن به چه چیزی منجر شد؟ (سراسری ۹۳)

- (۱) با آشکار شدن محدودیت های علمی دانش غیر تجربی و همچنین وابستگی آن به معرفت های تجربی - پرسش از مبانی غیر تجربی علم مدرن
- (۲) با آشکار شدن محدودیت های علمی دانش تجربی و همچنین وابستگی آن به معرفت های غیر تجربی و غیر حسی - تردید در هویت معرفت شناختی جهان مدرن
- (۳) با گسترش زندگی مدرن و افزایش گستره انواع آسیب های زیست محیطی - شکل گیری جریان های پست مدرن
- (۴) با گسترش زندگی مدرن و افزایش گستره انواع آسیب های زیست محیطی - پرسش از مبانی غیر تجربی علم مدرن

۳۲۹- در نیمه دوم قرن بیستم، روشن شدن این که علم حسی و تجربی نیازمند برخی معرفت های غیر حسی و غیر تجربی است، چه پیامدهایی داشت؟ (فاز از کشور ۹۳)

- (۱) مخدوش شدن استقلال معرفت تجربی از دیگر معرفت ها - تردید در هویت روشنگرانه علم تجربی
- (۲) پیدایش توان داوری های ارزشی نسبت به دیگر معرفت ها - پرسش از لایه های عمیق فرهنگ غرب
- (۳) وابستگی معرفت تجربی به دیگر معرفت ها - سؤال از مبانی تجربی علم مدرن
- (۴) استقلال معرفت تجربی از دیگر معرفت ها - پرسش از بنیان های هویتی فرهنگ غرب

۳۳۰- «گریز از سکولاریسم در جوامع غربی»، «غفلت از ابعاد معنوی به بهانه رویکرد دنیوی» و «اصالت‌بخشیدن به انسان دنیوی و این جهانی»
(سراسری ۹۴) به چه چیزی منجر شد؟

- (۱) بحران فرهنگی - خرافه‌پرستی - شکاکیت و انکار حقیقت
- (۲) ظهور انواع بازسازی‌شدهٔ ادیان و عرفان‌های شرقی - بحران معنویت - پوچ‌گرایی
- (۳) بازگشت به هویت فرهنگی و تاریخی - بحران معرفتی - دئیسم
- (۴) جست‌وجوی سنت‌های قدسی توسط نخبگان - اومانیزم - ظهور ادیان و عرفان‌های شرقی

۳۳۱- در ارتباط با شکل‌گیری جریان‌های پست مدرن، کدام روند درست است؟

- (۱) ظهور روشنگری در معنی خاص - کنار گذاشتن وحی و شهود - پیدایش صورت‌های مختلفی از عقل‌گرایی و حس‌گرایی - مخدوش شدن استقلال معرفت غیرحسی و تجربی از دیگر معرفت‌ها - تردید در هویت روشنگرانهٔ علم
- (۲) کنار گذاشتن وحی و شهود در شناخت حقیقت - محدود شدن علم به شناخت تجربی - جایگزین شدن شناخت عقلی به جای شناخت تجربی - ناسازگاری میان ابعاد معرفتی و علمی با نیازهای سیاسی و اقتصادی جهان غرب - شکل‌گیری جریان‌های پست مدرن
- (۳) بی‌اعتباری کتاب مقدس و شهود آباء کلیسا در شناخت جهان - شناخت حقایق از طریق استدلال عقلی - آشکار شدن محدودیت‌های دانش تجربی - مخدوش شدن استقلال معرفت عقلی از دیگر معرفت‌ها - انکار و تردید در اصل روشنگری
- (۴) نادیده گرفتن وحی و شهود در شناخت علمی - بسنده نمودن به شناخت عقلی و تجربی - جایگزین شدن شناخت حسی به جای شناخت عقلی - مخدوش شدن استقلال معرفت حسی و تجربی از دیگر معرفت‌ها - تردید در هویت معرفت‌شناختی مدرن و شکل‌گیری جریان‌های پست مدرن

۳۳۲- به ترتیب، علت پیدایش هر یک از این موارد کدام است؟

- در هم شکستن مقاومت‌های فرهنگی اقوام مختلف توسط کشورهای غربی
- پسامدرن خوانده شدن فیلسوفان غربی
- اولین چالش جوامع غربی

- (۱) تأمین منافع اقتصادی - عبور از اصول جهان مدرن - ظهور لیبرالیسم
- (۲) بسط جهانی قدرت خود - پذیرش اصل روشنگری علم مدرن - نادیده انگاشتن عدالت در حیات انسانی
- (۳) اختلال در فرهنگ عمومی جوامع غیرغربی - انکار و تردید در هویت معرفت‌شناختی جهان مدرن - ظهور سوسیالیسم
- (۴) گسترش اندیشه‌های سکولار - ناسازگاری بین عملکرد اقتصادی و سیاسی غرب با توانمندی‌های معرفتی آن - لیبرالیسم اولیه

۳۳۳- امور زیر به چه نتایجی منجر می‌شود؟

- اقتصاد گستردهٔ سده‌های هفدهم تا بیستم
- توسعهٔ صنعت ارتباطات
- انکار حقایق قدسی توسط فرهنگ غرب

- (۱) امپراتوری رسانه‌ای - کاهش اهمیت مرزهای سیاسی - افول سکولاریسم
- (۲) شکل‌گیری چالش‌های جهانی - تجمع قدرت رسانه در دست صاحبان ثروت - افول روشنگری
- (۳) پدید آوردن نظام نوین جهانی - کوتاه شدن فاصله‌های زمانی و مکانی - ناامیدی و پوچ‌گرایی
- (۴) تقسیم جوامع به مرکزی و پیرامونی - متزلزل شدن فرهنگ جوامع غیرغربی - شکل‌گیری اندیشه‌های پسامدرن

۳۳۴- به ترتیب هر یک از موارد زیر نتیجهٔ کدام بحران است؟

- فراخواندن مهاجران ساکن کشورهای غربی به سوی هویت دینی خود
- چالش در حوزه‌های مختلف روابط انسانی و اجتماعی
- پسامدرنیسم

- (۱) معرفتی - سیاسی - معنوی
- (۲) معرفتی - اقتصادی - معنوی
- (۳) معنوی - فقر و غنا - معرفتی
- (۴) معنوی - زیست‌محیطی - معرفتی و علمی

۳۳۵- هر یک از این موارد، به ترتیب، نتیجهٔ کدام بحران است؟

- بسنده کردن به شناخت از راه عقل و تجربه
- وارد شدن آسیب به تمامی جامعه
- فقر و مهاجرت

- (۱) معنوی - معرفتی - علمی
- (۲) معنوی - سیاسی - اقتصادی
- (۳) معرفتی - اقتصادی - زیست‌محیطی
- (۴) معرفتی و علمی - زیست‌محیطی - سیاسی

(سراسری ۹۸ - با تغییر / ترکیبی با درس ۱۱)

۳۳۶- به ترتیب هر یک از جمله‌های زیر با کدام موضوع ارتباط دارد؟

(ترکیبی با درس ۱۱)

- الف) غرب این مطلب را به نخبگان جوامع غیر غربی القا می‌کرد که پیروی از فرهنگ غرب تنها راه پیشرفت و توسعهٔ دیگر فرهنگ‌هاست.
- ب) فرهنگ مدرن غرب، طبیعت را مادهٔ خام و بی‌جانی می‌داند که انسان اجازهٔ هرگونه تصرفی را در آن دارد.
- پ) حیوان فرتوتی که با وجود جثهٔ عظیم خود، زمین‌گیر و آسیب‌پذیر شده است.
- ۱) ناسازگاری ابعاد معرفتی جهان غرب با نیازهای اقتصادی و سیاسی آن - علم تجربی غربی تنها تفسیر ممکن از طبیعت است - تأثیرات بحران‌های اقتصادی در جوامع غربی
- ۲) استفاده از اصطلاح کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای در حال توسعه - بحران‌های زیست‌محیطی - فروپاشی بلوک شرق و پایان نزاع و چالش شرق و غرب
- ۳) کشورهای توسعه‌یافته الگوی کشورهای دیگرند - گسترش سریع صنعت و فناوری مدرن توانمندی و آسایش بیشتری برای بشر فراهم آورده است - بحران معنویت در جهان غرب
- ۴) جامعه‌شناسان قرن نوزدهم روش تجربی خود را تنها راه درست برای شناخت جهان هستی می‌دانستند - انسان با تسخیر طبیعت می‌تواند تمامی مشکلات و مسائل خود را حل کند - بحران معرفتی جهان غرب

۳۰۲- گزینه «۲»

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱) درست نیست؛ زیرا چالش‌های جهانی اغلب پایان نمی‌یابند و با بروز چالش‌های جدید، چالش‌های پیشین نیز همچنان باقی می‌مانند. گزینه (۳) درست نیست؛ زیرا چالش‌های جهانی در مواجهه با سایر فرهنگ‌ها به وجود نمی‌آیند و همگی از درون فرهنگ غرب برمی‌خیزند. گزینه (۴) درست نیست؛ زیرا تمامی چالش‌های جهانی از لایه‌های عمیق فرهنگ غرب (لایه‌های هویتی) برمی‌خیزند ولی بحران معرفتی و معنوی به لایه‌های عمیق فرهنگ معاصر غرب تعلق دارند.

۳۰۳- گزینه «۴»

سکولاریسم، اومانیسم و روشنگری در مجموع، عمیق‌ترین لایه فرهنگ معاصر غرب و روح و شالوده آن را تشکیل می‌دهند. بحران‌های معرفتی و معنوی به لایه‌های عمیق فرهنگ معاصر غرب تعلق دارند.

۳۰۴- گزینه «۲»

ابتدا چالش‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی و ... رخ می‌دهند و سپس چالش‌های معرفتی، معنوی، اخلاقی، عاطفی و ... ظاهر می‌شوند. چالش فقر و غنا در چند قرن گذشته بروز کرده اما هم‌چنان پابرجاست و در طی دو قرن نوزدهم و بیستم، شناخت حسی و تجربی تنها راه شناخت علمی دانسته می‌شد.

۳۰۵- گزینه «۳»

بحران‌های متناظر لایه عقاید و بُعد فرهنگی جامعه، بحران‌های معرفتی و معنوی هستند. تقابل بلوک شرق و غرب، بحران متناظر هنجارها و بعد سیاسی جامعه است.

۳۰۶- گزینه «۴» در فرهنگ قرون وسطی، کتاب مقدس و شهود آباء کلیسا معتبرترین راه شناخت جهان بود و شناخت از راه عقل و تجربه نادیده گرفته می‌شد.

۳۰۷- گزینه «۱» در فرهنگ قرون وسطی، کتاب مقدس و شهود آباء کلیسا معتبرترین راه شناخت جهان بود و شناخت از راه عقل و تجربه نادیده گرفته می‌شد. در دوران رنسانس، این روش معرفتی مورد تردید قرار گرفت و به تدریج به بحران معرفتی انجامید. جهان غرب برای برون‌رفت از این بحران، وحی و شهود را در شناخت علمی نادیده گرفت و به شناخت از راه عقل و تجربه بسنده کرد (رویکرد معرفت‌شناختی فرهنگ جدید غرب). در نیمه اول قرن بیستم، با روشن‌شدن محدودیت‌های علم تجربی، علم از داوری‌های ارزشی دست برداشت و به امور طبیعی محدود شد.

۳۰۸- گزینه «۲» در نیمه دوم قرن بیستم، با روشن‌شدن این‌که علم تجربی دارای مبانی غیرتجربی است، علم مدرن زیر سؤال رفت و آشکار شد علم تجربی غربی تنها تفسیر ممکن از جهان طبیعت نیست؛ بلکه تفسیرهای متناسب با فرهنگ‌های دیگر نیز می‌تواند وجود داشته باشد. در طی دو قرن نوزدهم و بیستم، شناخت حسی و تجربی تنها راه شناخت علمی دانسته می‌شد. جامعه‌شناسان قرن نوزدهم روش تجربی خود را تنها راه درست برای شناخت جهان هستی می‌دانستند.

در نیمه اول قرن بیستم، با روشن‌شدن محدودیت‌های علم تجربی، علم از داوری‌های ارزشی دست برداشت و به امور طبیعی محدود شد.

۳۰۹- گزینه «۲» در فرهنگ قرون وسطی، کتاب مقدس و شهود آباء کلیسا معتبرترین راه شناخت جهان بود و شناخت از راه عقل و تجربه نادیده گرفته می‌شد. در دوران رنسانس، این روش معرفتی مورد تردید قرار گرفت و به تدریج به بحران معرفتی (پیامد) انجامید. جهان غرب برای برون‌رفت از این بحران، وحی و شهود را در شناخت علمی نادیده گرفت و به شناخت از راه عقل و تجربه بسنده کرد.

۳۱۰- گزینه «۳» بحران معرفتی جدید فرهنگ غرب هنگامی آغاز شد که محدودیت‌های علمی دانش تجربی و هم‌چنین وابستگی آن به معرفت‌های غیرتجربی آشکار شد.

۳۱۱- گزینه «۴» در نیمه دوم قرن بیستم مشخص شد که علم تجربی (نه علم غیرتجربی) وابسته به معرفت‌های غیرتجربی (نه تجربی) است.

۳۱۲- گزینه «۱» درست- نادرست

بسنده‌کردن به شناخت از راه عقل مربوط به روشنگری قرن ۱۷ و ۱۸ است. در قرن ۱۹ و ۲۰ (در نیمه اول قرن ۲۰) شناخت تجربی تنها راه شناخت علمی محسوب می‌شد؛ بنابراین بسنده‌کردن به شناخت عقلی و تجربی مربوط به قبل از نیمه دوم قرن بیستم است، زیرا در نیمه دوم قرن بیستم، فرهنگ غرب دچار بحران معرفت‌شناختی شد.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۲): درست - درست / گزینه (۳): نادرست - نادرست؛ عبارت اول مربوط به نیمه دوم قرن بیستم و عبارت دوم مربوط به نیمه اول قرن بیستم است. / گزینه (۴): نادرست - درست؛ در قرن ۱۷ و ۱۸ به شناخت عقلی بسنده شد (نه در نیمه اول قرن بیستم). در نیمه اول قرن بیستم به شناخت تجربی بسنده و تنها راه شناخت دانسته شد.

۳۱۳- گزینه «۴» نادرست - درست؛ عبارت اول گزینه (۴) مربوط به بحران معرفتی نیمه دوم قرن بیستم است. جامعه‌شناسان قرن نوزدهم اعتقادی به مبانی غیرتجربی علم تجربی نداشتند و برای علم تجربی استقلال قائل بودند. جامعه‌شناسان قرن نوزدهم معتقد بودند آگاهی‌ها و علوم جوامع دیگر غیرعلمی است. بدین ترتیب، غرب این مطلب را به نخبگان جوامع غیرغربی القا می‌کرد که پیروی از فرهنگ غرب تنها راه پیشرفت و توسعه دیگر فرهنگ‌هاست.

بررسی سایر گزینه‌ها: همه عبارت‌ها درست هستند.

نکته جامعه‌شناسان قرن نوزدهم تنها راه شناخت علمی را حس و تجربه می‌دانستند. آن‌ها عقل و وحی را نادیده گرفته و شناخت عقلی و وحیانی را معتبر نمی‌دانستند.

۳۱۴- گزینه «۲» در نیمه دوم قرن بیستم، با روشن‌شدن این‌که علم تجربی دارای مبانی غیرتجربی است، علم مدرن زیر سؤال رفت و آشکار شد علم تجربی غربی تنها تفسیر ممکن از جهان طبیعت نیست؛ بلکه تفسیرهای متناسب با فرهنگ‌های دیگر نیز می‌تواند وجود داشته باشد. تردید درباره مبانی علوم تجربی غربی، در حقیقت تردید و پرسش درباره بنیان‌های هویتی فرهنگ غرب یعنی لایه‌های عمیق یا همان فلسفه روشنگری بود.

۳۱۵- گزینه «۳» روشنگری مدرن از قرن نوزدهم، مبتنی بر حس و تجربه بود و براساس آن، شناخت غیرتجربی، علمی دانسته نمی‌شد و ولی پس از این‌که مشخص شد علم تجربی به معرفت‌های غیرتجربی وابسته است، استقلال معرفت علمی - تجربی مخدوش شد و هویت روشنگرانه آن مورد تردید قرار گرفت. تردید در روشنگری به منزله تردید در هویت معرفت‌شناختی جهان مدرن بود. دانشمندانی را که در اصل روشنگری علم مدرن تردید کردند، پسامدرن می‌خوانند، چرا که از اصول جهان مدرن عبور کرده‌اند و به فراسوی آن رسیده‌اند.

۳۱۶- گزینه «۳» ناتوانی جهان غرب برای توجیه حضور جهانی خود، در شرایطی که اقتصاد و سیاستش به این حضور نیاز دارد، بُعد دیگری از بحران معرفتی - علمی است؛ یعنی ناسازگاری بین عملکرد اقتصادی و سیاسی غرب با توانمندی‌های معرفتی و علمی آن.

مهم‌ترین علت تداوم باور دینی و معنوی در زندگی انسان، نیاز فطری آدمی به حقایق قدسی و ماوراء طبیعی است.

سکولاریسم به ترتیب در حوزه‌های هنر، اقتصاد، سیاست و علم ظاهر گردید و فرهنگ تخصصی هر یک از این حوزه‌ها، سکولار و دنیوی شد؛ اما فرهنگ عمومی جامعه غربی در محدوده زندگی شخصی و خصوصی افراد، همچنان دینی باقی ماند.

۳۱۷- گزینه «۴» طی قرن بیستم نه‌تنها دین از فرهنگ عمومی مردم خارج نشد؛ بلکه در سال‌های پایانی آن، نگاه معنوی و دینی، به سطوح مختلف زندگی انسان‌ها بازگشت. بعضی از متفکران از این موج که نشانه بحران معنویت در فرهنگ غرب است با عناوین «افول سکولاریسم» و «پاسکولاریسم» یاد کردند.

۳۱۸- گزینه «۲» در نیمه دوم قرن بیستم، با روشن‌شدن این‌که علم تجربی دارای مبانی غیرتجربی است، الف علم مدرن زیر سؤال رفت. ب آشکار شد علم تجربی غربی تنها تفسیر ممکن از جهان طبیعت نیست؛ بلکه تفسیرهای متناسب با فرهنگ‌های دیگر نیز می‌تواند وجود داشته باشد. پس از این‌که مشخص شد علم تجربی به معرفت‌های غیرتجربی وابسته است، پ استقلال معرفت علمی - تجربی مخدوش شد و ت هویت روشنگرانه آن مورد تردید قرار گرفت. تردید در روشنگری به منزله تردید در هویت معرفت‌شناختی جهان مدرن بود.

در نیمه اول قرن بیستم، با روشن‌شدن محدودیت‌های علم تجربی، الف علم از داوری‌های ارزشی دست برداشت و ب به امور طبیعی محدود شد. فرهنگ غرب با اصالت‌بخشیدن به انسان دنیوی (اومانیزم) در قرن بیستم به پوچ‌گرایی، یأس و ناامیدی و مرگ آرمان‌ها و امیدها انجامید.

۳۱۹- گزینه «۱» متفکران پسامدرن زمانی در اصول و مبانی فرهنگ غرب تردید کردند که سیاست و اقتصاد جهان غرب، ابعاد جهانی پیدا کرده بود و نیازمند علمی بود که حضور جهانی آن را توجیه کند اما اندیشه‌های پسامدرن این ظرفیت را نداشتند.

۳۲۰- گزینه ۱) مربوط به پیامدهای اصالت‌بخشیدن

به انسان دنیوی قرن بیستم (اومانیزم) توسط فرهنگ غرب است.

۳۲۱- گزینه ۳) تردید در اصل روشنگری علم مدرن منجر به

افول روشنگری و شکل‌گیری جریان‌های پست‌مدرن گردید.

برگزاری مراسم عید پاک در جوامع غربی، نشانگر حضور دین در فرهنگ

عمومی جامعه غربی است.

اعتراضات و واکنش‌های مردمی نسبت به آسیب‌ها و بحران‌های زیست‌محیطی

در دهه‌های اخیر، جنبش‌های اجتماعی جدیدی پدید آورده است. (س۱۱)

۳۲۲- گزینه ۴) عبارت اول درست نیست. مفاهیم شمال و

جنوب عمده‌تاً بعد از جنگ جهانی دوم (نه اول) به کار برده شد.

عبارت سوم درست نیست. همایش‌های بین‌المللی که درباره بحران‌های

زیست‌محیطی برگزار شده‌اند، نتوانسته‌اند از شتاب این بحران بکاهند.

۳۲۳- گزینه ۲) تردید در روشنگری به منزله تردید در هویت

معرفت‌شناختی جهان مدرن بود. رواج خرافه‌پرستی و شیطان‌پرستی در

جوامع غربی، پیامد افول سکولاریسم، پاسکولاریسم و گریز و رویگردانی

از سکولاریسم در جوامع غربی است.

بحران اقتصادی اخیر در اروپا و آمریکا از سال ۲۰۰۸ شروع شده است. (س۱۱)

۳۲۴- گزینه ۱) سکولاریسم به ترتیب در حوزه‌های هنر، اقتصاد،

سیاست و علم ظاهر گردید. در فرهنگ مدرن غرب، انسان گمان می‌کند با

تسخیر طبیعت و تصرف آن می‌تواند تمامی مسائل و مشکلات خود را حل کند.

۳۲۵- گزینه ۱) انسان مدرن به دلیل نگاه دنیوی، نگاه دینی

و معنوی به طبیعت را کودکانه می‌پندارد و تصرف در طبیعت را تنها

با فنون و روش‌های تجربی انجام می‌دهد. (س۱۱) چالش فقر و غنا در

چند قرن گذشته بروز کرد اما همچنان پابرجاست. جامعه‌شناسان قرن

نوزدهم، روش تجربی خود را تنها راه درست برای شناخت جهان هستی

می‌دانستند و معتقد بودند آگاهی‌ها و علوم جوامع دیگر غیرعلمی است.

۳۲۶- گزینه ۴) در دوران رنسانس، وحی و شهود در شناخت

علمی نادیده گرفته شد و در فرهنگ قرون وسطی، شناخت از راه عقل

و تجربه نادیده گرفته می‌شد. روشنگری عقل‌گرایانه در قرن هفدهم و

هجدهم به دلیل این که وحی را نمی‌پذیرفت به دئیسم منجر شد. (س۱۵)

۳۲۷- گزینه ۴) الف طی قرن بیستم نه تنها دین از فرهنگ

عمومی مردم خارج نشد؛ بلکه در سال‌های پایانی آن، نگاه معنوی و

دینی، به سطوح مختلف زندگی انسان‌ها بازگشت. ب- در سال ۱۹۸۹

میلادی، سازمان ملل با طرح «پیمان باسل» تلاش کرد تا از انتقال

زباله‌های کشورهای صنعتی به کشورهای فقیر جلوگیری کند. اما برخی

کشورهای غربی پیمان باسل را نپذیرفتند و برخی دیگر با دورزدن قوانین

بین‌المللی، سوء استفاده از نیاز مالی و کم‌اطلاعی افراد یا دولت‌ها،

هم‌چنان به صدور زباله‌های خود به کشورهای فقیر مشغول‌اند.

۳۲۸- گزینه ۲) بحران معرفتی جدید هنگامی آغاز شد که:

الف- در نیمه اول قرن بیستم، محدودیت‌های علمی دانش تجربی روشن شد.

ب- در نیمه دوم قرن بیستم، وابستگی دانش تجربی به معرفت‌های

غیرتجربی و غیرحسی آشکار شد.

تردید در روشنگری به منزله تردید در هویت معرفت‌شناختی جهان مدرن بود.

۳۲۹- گزینه ۱) در نیمه دوم قرن بیستم پس از این که مشخص

شد علم تجربی به معرفت‌های غیرتجربی وابسته است، استقلال معرفت

علمی - تجربی مخدوش شد و هویت روشنگرانه آن مورد تردید قرار گرفت.

۳۳۰- گزینه ۲) گریز از سکولاریسم در جوامع غربی، منجر به

رونق بازار معنویت‌های کاذب و دورغین شد. خرافه‌پرستی، شیطان‌پرستی

و ظهور انواع بازسازی‌شده ادیان و عرفان‌های شرقی و سرخ‌پوستی،

نمونه‌هایی از این معنویت‌های دروغین هستند.

غفلت از ابعاد معنوی به بهانه رویکرد دنیوی می‌تواند منجر به ایجاد بحران

معنویت شود.

فرهنگ غرب با اصالت‌بخشیدن به انسان دنیوی (اومانیزم) در قرن

بیستم به پوچ‌گرایی، یأس و ناامیدی و مرگ آرمان‌ها و امیدها انجامید.

۳۳۱- گزینه ۴) جهان غرب برای برون‌رفت از بحران معرفتی دوران

رنسانس، وحی و شهود را در شناخت علمی نادیده گرفت ۱) و به شناخت از

راه عقل و تجربه بسنده کرد. ۲) شناخت عقلی جدید بیش از دو سده دوام

نیآورد و شناخت تجربی در قرن نوزدهم و بیستم، تنها راه شناخت علمی

دانسته شد. ۳) ولی پس از این که مشخص شد علم تجربی به معرفت‌های

غیرتجربی وابسته است، استقلال معرفت علمی - تجربی مخدوش شد ۴) و

هویت روشنگرانه آن مورد تردید قرار گرفت. تردید در روشنگری به منزله

تردید در هویت معرفت‌شناختی جهان مدرن بود. دانشمندانی را که در اصل

روشنگری علم مدرن کردند، پسامدرن می‌خوانند. ۵)

۳۳۲- گزینه ۱) کشورهای غربی برای تأمین منافع اقتصادی خود

نیازمند در هم شکستن مقاومت‌های فرهنگی اقوام بودند که سلطه و نفوذ

آن‌ها را تحمل نمی‌کردند. (س۷) دانشمندانی را که در اصل روشنگری علم

مدرن تردید کرده‌اند، پسامدرن می‌خوانند، زیرا از اصول جهان مدرن عبور

کرده و به فراسوی آن رسیده‌اند. اولین چالش جوامع غربی، چالش فقر و

غنا بود که با ظهور لیبرالیسم (اقتصادی) شکل گرفت. (س۹)

۳۳۳- گزینه ۳) در سده‌های هفدهم تا بیستم، اقتصاد گسترده‌ای

شکل گرفت که تقسیم کارش از مرزهای سیاسی و فرهنگی موجود فراتر

رفت و نظامی در سطح جهان با عنوان نظام نوین جهانی پدید آورد. (س۷)

توسعه صنعت ارتباطات، فاصله زمانی و مکانی را کوتاه و جهان را کوچک

کرده و به صورت دهکده‌ای واحد درآورده است. (س۸)

فرهنگ غرب با انکار حقایق قدسی نه تنها به آرمان‌های انقلاب فرانسه

نرسید، بلکه با اصالت‌بخشیدن به انسان دنیوی (اومانیزم) در قرن بیستم

به پوچ‌گرایی، یأس و ناامیدی و مرگ آرمان‌ها و امیدها انجامید.

۳۳۴- گزینه ۴) یکی از پیامدهای گریز و رویگردانی از سکولاریسم

در جوامع غربی (بحران معنویت)، فراخوانده شدن مهاجران ساکن کشورهای غربی

به سوی هویت دینی خود بود. بحران‌های زیست‌محیطی می‌توانند آسیب‌هایی

را در حوزه روابط انسان‌ها و جوامع ایجاد کنند. (س۱۱) شکل‌گیری جریان‌های

پست‌مدرن نتیجه افول روشنگری و تردید در هویت معرفت‌شناختی غرب است.

۳۳۵- گزینه ۳) جهان غرب برای برون‌رفت از بحران معرفتی

دوران رنسانس، وحی و شهود را در شناخت علمی نادیده گرفت و به

شناخت از راه عقل و تجربه بسنده کرد. آسیب‌های مربوط به بحران

اقتصادی تمامی جامعه را در بر می‌گیرد. (س۱۱) بحران‌های زیست‌محیطی

می‌توانند به روابط انسان‌ها و جوامع با یکدیگر سرایت کرده و به آسیب‌های

اجتماعی، اقتصادی و سیاسی همچون مهاجرت، حاشیه‌نشینی، بیکاری،

فقر، اختلافات سیاسی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای منجر شوند. (س۱۱)

۳۳۶- گزینه ۴) الف جامعه‌شناسان قرن نوزدهم روش تجربی

خود را تنها راه درست برای شناخت جهان هستی می‌دانستند. جامعه‌شناسان

قرن نوزدهم معتقد بودند آگاهی‌ها و علوم جوامع دیگر غیرعلمی است.

بدین ترتیب، غرب این مطلب را به نخبگان جوامع غیرغربی القا می‌کرد

که پیروی از فرهنگ غرب تنها راه پیشرفت و توسعه دیگر فرهنگ‌هاست.

ب- فرهنگ مدرن، طبیعت را ماده خام و بی‌جانی می‌داند که انسان

اجازه هرگونه تصرفی را در آن دارد. در این فرهنگ، انسان بر این گمان

است که با تسخیر طبیعت و تصرف آن، می‌تواند تمامی مسائل و مشکلات

خود را حل کند. پ- فرهنگی که توان معرفتی لازم برای دفاع از ابعاد

گسترده اقتصادی و سیاسی خویش را نداشته باشد، به حیوان فرتوتی

می‌ماند که با وجود جثه عظیم خود، زمین‌گیر و آسیب‌پذیر شده است.